

You have an English text

\* بسم الله الرحمن الرحيم \*

آقای رئیس ،

اعضاء محترم کمیته حقوق بشر

بنام هیئت نمایندگی دولت جمهوری اسلامی ایران ، با تشکر از فرصتی که برای روشن کردن ذهن آقایان و بیان بعضی از حقایق بمن داده شده است و همچنین با تشکر از آقایان محبت های مقداتی اغلب سخنرانان جلسات د و روز گذشته ، از اینکه بعضی از آقایان ، بطور مفرضانه و حتی دشمنانه و بدون استناد به کوچکترین گزارش مورد قبول خود کمیته حقوق بشر ، شایعات و دروغهای محافل امپریالیستی را در اینجا مطرح کردند که سپس در رسانه های گروهی غرب ، منتشر گردید ، و در واقع بطور خودکار ، بلندگوی تبلیغاتی علیه نظام مستقل و آزاد جمهوری اسلامی ایران شدند ، شدیداً اظهار تاسف میکنم ، و با توجه باینکه کمیته حقوق بشر در ریازد همین اجلاس خود طی اعلامیه راجع به وظایف کمیته حقوق بشر در باره ماده ۴ میثاق ، حدود وظایف و اختیارات خود را مشخص نموده است ، هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران شدیداً بقلض اعلامیه ، در مورد وظایف کمیته حقوق بشر ، از طرف بعضی از اعضا آن ، اعتراض نموده و صریحاً اعلام میدارد که این امر به اعتبار کمیته حقوق بشر در ریازد ملت ما و ملتهای مستضعف جهان شدیداً لطمه میزند و صد اقسافه بی طرف بودن آن را زیر سؤال قرار میدهد .

پاراگراف ۱ اعلامیه تصریح مینماید که کمیته تأیید مینماید هدف از این گرد هم آئی ایجاد یک گفتگوی سازنده بین اعضای کمیته و کشور گزارش دهند است . ولی متأسفانه اظهارات بعضی از آقایان بویژه اعضا اردنی و کانادائی این کمیته ، خارج از حدود وظایف و صد اقسافه نامبردگان بود و همگامی مطبوعات امپریالیستی و شبکه های رادیوئی غربی این سوء ظن را تشدید میکند . ما بعنوان احترام به حقوق بشر در این جلسات شرکت کردیم ولی متأسفانه نوع برخورد از جانب بعضی از اعضا غیر منطقی و زننده بود که یکبار دیگر سبب میشود ملت ما همچنان به هر نوع پدیده غربی باشک و تردید و سوء ظن و حتی نفرت بنگرند ، گرچه بنام حقوق بشر باشد !

مادر گزارش مقداتی پنج ، شش ای و کلمه آن که در ۴۵ دقیقه با ستحضار کمیته رسید ، گفتیم که گزارش کامل و مشروح خود را در آئینده و پس از تصویب قوانین مورد نظر در مجلس شورای اسلامی به کمیته ارائه خواهیم داد ولی آقای سادی از اردن و چند نفر دیگر بدون توجه باین نکته ، ادعای نامه سراسر گذب و حیثیت خود را که قبلاً تنظیم شده بود ، بلافاصله بعنوان اولین فرد ، برای آنکه نخستین جایزه نصیب وی شود ، مطرح میسازد و در مقابل آقای اناتولی که وضع انقلابی ما را درک میکند نوبت آخر را بدست میآورد و بهر صورت این ادعای نامه ما را بیاد

ادعایه های ساواک و دادستانی نظامی دوران شاه طیفه انقلابیون مسلمان میاندازد. این نوع برخورد غیراخلاقی و که هیچ نوع بوی گفتگوی سازنده در آن احساس نمیشد، برای ما و ملت ما این خاطره های تلخ و دردناک را زنده میکند که در آن روزگار بیکه خواهر <sup>خانم</sup> کلیم شاه بنام اشرف پهلوی باکت خزرگانه های خود در جلسات سازمان ملل شرکت میکرد و از حقوق بشر دم میزد و ملت ما تحت وحشیانه ترین سرکوبهای جنایت بار رژیم شاه بود، هرگز نمایندگان این قبیل لببسخن نمیگشودند، ولی امروز که نماینده ملتی انقلابی و آماده هرگونه فداکاری و جانبازی در راه حفظ میراث های انقلابی - اسلامی خود که در این جلسه شرکت میکند عضو اردنی کمیته، جلسه گفتگو را، به جلسه دادگاه نظامی و بازجویی بدل میسازد، غافل از آنکه اگر قرار باشد دادگاه ملی بین المللی تشکیل گردد، باید برای محاکمه کسانی باشد که ۲۰ هزار فلسطینی را در سیپا میرسیاه قتل عام کردند و هنوز دم مجازات نشده اند، و ما آنرا هرگز فراموش نخواهیم کرد ...

آقای رئیس،

اعضاء محترم کمیته حقوق بشر،

شما کدام انقلاب را سراغ دارید که در بحرانی ترین شرایط سرنوشت ساز خود، که دشمنان داخلی و خارجی طیفه او همه جانبه می تازند، بتواند چندین بار فرزندوم و رای گیری برای تصویب نظام جدید، برای تشکیل مجلس خبرگان، برای انتخاب رئیس جمهور، برای انتخابات نمایندگان خبرگان و مجلس ملی برقرار کند و در راه برقراری قانون، بلافاصله دولت تشکیل دهد، و سپس شورای انقلاب را که سالیان دراز میتواند برپا ماند، منحل سازد و کارها را بدست مردم و نهاد های خود جوش و مردم میسپارد، و رهبر عالیقدر آن امام خمینی سال تابون اعلام دارد و صد ها لایحه قانونی در راه بهبود وضع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و قضائی مردم به تصویب برساند و همزمان، با دشمن متجاوز بحثی بجنگد، با توطئه و تجاوز امپریالیسم آمریکا مقابله و با تروریسم مبارزه کند، با مشکلات ناشی از رژیم سپاه پهلوی نبرد نماید و بتواند گزارش کمیته حقوق بشر را هم ارائه کند؟

علاوه بر حال انقلاب و در حال تحکیم پایه های حکومت قانون در کشور خود، گزارش کوتاه و ملخص خود را برای احترام به حقوق بشر، عرضه کردیم، میتوانستیم مانند کشورهای دیگری، گزارش خود را برای چند سال دیگر تا خیر بماند ازیم و به یقین اگر میدانستیم که محافل امپریالیستی از حسن نیت ما سوء استفاده خواهند کرد و آنرا ناشی از فشار بین المللی قلمداد خواهد نمود هرگز در این اجتماع حضور نمی یافتیم همچنان بسوء ظن خود، به هریدیده غریب، ادامه میدادیم.

ملت ما مطابق موازین اسلامی انقلاب کرده اند، نه مطابق مقررات حقوق بشر اگر مردم ما منتظر میثاق و سازمان ملل بودند، هم اکنون شاه و ژنرالهایش با اضافه ۴۵ هزار مستشار امریکائی بر ملت ما حکومت میکردند!

نماینده اردنی در سخنرانی از پیش‌تجیه شده خود آنچنان سؤال مطرح میکرد که گویا بازیرسان نظامی رژیم شاه از مابازجویی میکنند. و البته ما نمیخواهیم از او بپرسیم که چرا اردن میتواند برای جنگ با ایران اسلامی و انقلاب آن نیرو به عراق بفرستد. چون قادر بودیم که پاسخ آنان را در جبهه‌های جنگ بدسیم و دادیم و برای این سؤال از اعضاء اردنی و تونس می‌کنیم که داوطلبان شما، چرا برای برد در راه استقلال و آزادی لبنان که مورد تجاوز صهیونیسم قرار گرفته است نرفته‌اند؟ جالب است که آقای تونس از ما می‌پرسد که ما برای لبنان و فلسطین چه کرده‌ایم؟ باید بایشان بگوئیم اگر تجاوز بعث عراق نبود، الان دنیا نتیجه کارهای ما را در آزادی قدس میدید و بی جهت نیست که بیگن تروریست اخطار میکند که اگر ایران جلو بیاید، چنین و چنان خواهیم کرد. علاوه بر این، همکاری ما با مردم لبنان و فلسطین را باید از خود آنها بپرسید. . . . اینکه آنان یک ماه و نیم است در مقابل یکصد هزار متجاوز اسرائیلی ایستاده‌اند، بدون امکانات قبلی بوده است. . . . و بدون تردید این امکانات را اردن و تونس و مرتجعین عرب منطقه در اختیار آنها قرار داده است. . . . در هر صورت ما به همه آقایانی که از این تربیون اتهامات دشمنان ما را نشر کردند و به همه کسانی که همچنان در فکر سرکوبی انقلاب اسلامی عظیم ما هستند اعلام می‌کنیم که مردم ما دیگر اراده کرده‌اند که آزاد و مستقل و مسلمان باقی بمانند و با افسانه‌های واهی محافظ امپریالیستی خود را سرگرم نسازند. آنها بعد از تنبیه قرن نتیجه سلطه امپریالیزم غرب را تجربه کرده‌اند و آزاد و استقلال و جمهوری اسلامی خود را که خوبیهای آن ۷۰ هزار شهید و ۵۰ سال اسارت دوران پهلوی است، باین آسانی که دشمنان فکر کرده‌اند از دست نخواهند داد.

مداخنین حقوق بشر در سازمان ملل اگر برای یکبار پس از انقلاب، آری حتی برای یکبار، این ترورهای ناجوانمردانه زن و مرد و کودک و جوان و روحانی و دانشگاهی و کارگر و دهقان را تقبیح میکردند. . . . اگر برای یکبار کشتار و بمباران بیست و دو ماهه مناطق غیر نظامی توسط نظام بعثی عراق را محکوم مینمودند، اگر برای یکبار عنوان همدردی با ملت ستم‌دیده ایران بیانیه‌ای انشا می‌دادند امروز هم شاید حق می‌داشتند که از ما سؤال کنند چند نفر زندانی دارید و یا چند جناح‌کار و جلاد طاغوتی و شکنجه‌گر ساواک و تروریست اعدام شده‌اند؟ ولی شما تکیه به چه منطقی و روی چه میزانی و چه اصلی بخود اجازه میدید که از ما این سئوالات را بکنید؟ شما در آن روزگار که ارتش شاه در جمعه سیاه در تهران سه هزار نفر را یکجا قتل عام کرد، کجا بودید؟ بیلان کار شما در آن دوران سیاه چیست؟ کسانی که از کثرت اعدا می‌صحبت میکنند و دم از رحم و عطوفت اسلامی می‌زنند و گویا اسلام شناس تراز خود مسلمانان شده‌اند، باید حداقل این نکته را در تاریخ خوانده باشند که در فرانسه پس از انقلاب بیش از ۱۵۰ هزار نفر اعدام شده‌اند و آنگاه آنها با اعدای جلادان رژیم شاه مقایسه کنند و بعد بد اوری بنشینند؟

ملتی که ۷۰ هزار رد و ره آخر شاه شهید داده بود اگر می‌خواست از حکومتگران رژیم شاه انتقام بگیرد، و حطام خون در کشور ما براه می‌افتاد و این رحم و عطوفت اسلامی و غوغومی امام بود که از انتقام‌گیری مردم جلوگیری کرد ولی ملت ما نمیتوانست به جلادان شاه و شکنجه‌گران ساواک مدال افتخار بدهد.

بگذار این مدال را آنها از امپریالیزم امریکا و محققاران اروپائیش دریافت دارند . آقایان که اسلام - شناس و حقیق‌دان هم هستند ، و برای ما مرتباً آزما ده واصل و تبصره قانون صحبت میکنند ، لابد اصل ۱۸ میثاق را هم بخاطر دارند که همه مسلمانان حق دارند امور خود را طبق موازین اسلامی انجام دهند ! لابد توجه دارند که این اصل شامل امور جزائی و قوانین سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلامی هم میشود . وگرنه مسخره خواهد بود که به مسلمانان بگوئید شما فقط نماز را میتوانید مطابق دستور اسلام بخوانید ولی در امور جزائی باید تابع قوانین دیگران بشوید !

آقای رئیس ،

اعضاء محترم کمیته حقوق بشر ،

یکبار دیگر تکرار میکنم اتهامات بی اساسی که در اینجا توسط چند نفر از آقایان مطرح گردید با توجه به معیارهای خود کمیته حقوق بشر فاقد هرگونه ارزشی است و تکرار کلیشه ای آن نشانگر ادامه توطئه ایست که همچنان علیه انقلاب اسلامی عظیم مردم مادر سطح جهانی ادامه دارد وگرنه معقول بنظر نمیرسد که یک فرد آگاه و حقوق‌دان و با اصطلاح بیطرف ، بدون داشتن گزارشهای مستقل و موثق از داخل ایران و یا منابع رسمی و تنها با اتکا به اطلاعات تبلیغاتی و وسائل خبری امپریالیستی و اعلامیه های عناصر ضد انقلاب اسلامی که متشکل از خانواده های سرمایه داران و دزدان و جنایتکاران و جلادان رژیم شاه و سازمانهای تروریستی و مزدوران و نوکران امپریالیزم میباشد به قضاوت و داوری به نشینند ؟ بنظر ما نشر روغها و تهمت های عناصر ضد ملی مقیم خارج از کشور از طریق کمیته حقوق بشر و یکی از ظالمانه ترین و غیر اخلاقی ترین روشهای ممکن برای اجرای سیاست تروریست که از سوی امپریالیزم امریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب بمنظور بی اعتبار ساختن وجهه جهانی انقلاب اسلامی ایران ، طرح ریزی شده است . اگر چنین توطئه سازمان یافته ای وجود نداشت روی چه اصل منطقی و قابل قبول ، اینک اتمام را عملاً پنج نفر از حضرات تکرار میکنند ، ولی هیچکدام درباره تعداد افراد ترور شده بوسیله تروریستها ، هیچگونه سئوالی را مطرح نمیسازند ؟ آیا حقوق بشر ، ویژه کسانیست که برضد نظام جمهوری اسلامی قیام کرده اند ؟

مسئله ای که در اساس جدول اتهامات بعضی از آقایان قرار داشت و از طرف پنج عضو کمیته تکرار شد و وقت ما و اعضاء محترم را تلف کرد ، مسئله بهائیکری بود که موضوع از دیدگاه ملت ما با کسبی دگرگونه است .

گویا بهائیان مدعی هستند که ۶۰ یا ۷۰ نفر از آنها اعدام شده اند ، و از طرفی مدعی هستند که در ایران ۶۰ یا ۷۰ هزار نفر بهائی وجود دارد ، در این صورت پرسیدنی است که پس چرا بقیه اعدام نشده اند ؟ آیا آنها تیکه اعدام شده اند ، بجزم اعتقاد به فرقه بهائیت بوده است ؟ آیا در ایران فقط همان ۶۰ یا ۷۰ نفر بهائی بوده اند ؟

به آقایان !

بهائیان مدعی عدم دخالت در سیاست ، در طول دوران سیاه حکومت پلیسی پهلوی

همراه با صهیونیسم بین المللی نزدیکترین ارتباطات ارگانیک را با رژیم شاه داشتند لحظه ای را از همکاری و مساعدت در جهت تثبیت اختناق و استبداد و سرکوب مردم آزاد یخواه ایران ، آرام ننشستند مدارک باقیمانده از ساواک ، در باروی پرونده های محرمانه ، همگی حاکی از این واقعیت دارد که رهبران آنها ، کلگردانان عمده رژیم شاه بودند .

جنایتکارانی چون ژنرال ایادی (پزشک ویژه شاه) ژنرال خادمی (شوهر خواهر شاه) ژنرال صلیبی (وزیر جنگ شاه) عباس هویدا (نخست وزیر ۱۳ ساله شاه) منصور روحانی (وزیر کشاورزی ۱۳ ساله شاه) فرخ رویارسا (وزیر فرهنگ شاه) پرویز ثابتی (فردوم ساواک شاه) و معاون ژنرال نصیری و ده ها نفر دیگر از مهره های اصلی رژیم شاه همه و همه از سران بهائی بودند . این وابستگی و همبستگی تا آنجا است که بهائیان طبق سند محفل روحانی و "شاه را ناجی کبیرا کبر" ایران لقب داده اند (سند ۲ از مجموعه اسناد محرمانه) .

طبق سند دیگر ساواک ، بهائیان گزارشات مربوط به ارتش ایران و چگونگی ورود اسلحه به ایران و تعلیمات چتر بازان شاه را همواره از ارتش دریافت میکردند . (سند ۹) که طبعاً این اطلاعات برای خواندن در محفل نبوده بلکه طبق سند شماره ۱۰ ساواک این اسناد به اسرائیل مبرفته و اسرائیل از بهائیان بهره برداری سیاسی و اطلاعاتی و اقتصادی میکند است . بهائیان طبق سند ۱۱ ساواک برای سرکوب مسلمانان عرب ، یک رقم ۱۲۰ میلیون تومانی پول جمع آوری و به حیفا فرستاده اند که به گزارش ساواک در اختیار ارتش اسرائیل قرار گرفته است . و برای همین بود که عبدالناصر آنان را جاسوسان اسرائیل مینامید .

حمایت نفی هویدا از اسرائیل موجب شد که اسرائیل قطعه زمین بزرگی به هویدا در اسرائیل هدیه کند ! که متن گزارش آن از طرف ساواک شاه در پیرونده هویدا قرار گرفته است !

بدین ترتیب ، بهائیان که جاسوس اسرائیل بوده یاد رژیم شاه ، در قتل عام مردم شرکت داشتند یا مانند هویدا ، رهبری عملیات بعهد آنها بود ، مانند دیگر جنایتکارانی که بظاهر مسلمان بودند اقدام شدند و این امر هیچ ارتباطی به نوع اعتقاد افراد جنایتکار نداشته است و تبلیغات مظلوم نمایی در این زمینه معلوم است که از کجا سرچشمه میگیرد .

برای آشنائی بیشتر با همپیمانی بهائیان با اسرائیل بی مناسبت نیست که گفتار روحیه ماکسول یکی از رهبران بهائی آمریکا اشاره کنیم که در مجله رسمی بهائیان ایران بنام "اخبار امری" شماره ۱۰ - صفحه ۶۰۱ چنین میگوید :

"مذهب ما باید در جوانترین کشورهای یعنی اسرائیل رشد نماید . ما وابستگی کامل باین کشور داریم . در واقع باید بگویم آینده ما و اسرائیل مانند حلقه های یک زنجیر بهم مرتبط است . . . ."

از این مسائل کلی که بگذریم میرسیم به مسئله چگونگی انطباق قوانین اسلام با میثاق و راه حل تضاد احتمالی آنها و نظر دولت جمهوری اسلامی در این زمینه . مادامیکه گزارش خود در اینجا گفتیم که

هرکجا قوانین الهی ، که ما بآنها معتقدیم با قوانین بشری تضادی پیدا کرد ما قوانین خدائی را انتخاب خواهیم کرد .

وقتی ملت ملت موجد ، حرکت اسلامی آزاد بیخش خود را اسلام و روح زنده و پویای آن بداند ، ملت بصیرت آنرا نیز همواره عمل و اعمال دستورات و قوانین اسلامی خواهد دانست .

بنای ارزشها در انقلاب اسلامی ما منبعث از وحی الهی است و مسلماً ملاک اعتبار هر قانون و ایده دیگری در نزد ما میزان نزدیکی و هماهنگی آن قانون با ارزشهای ثابت ارائه شده از سوی وحی الهی است ، اما از آنجا که ما فطرت سالم انسانی را نیز هماهنگ با ارزشهای وحی میدانیم ، امکان انطباق ارزشهای برخاسته از فرهنگ مشترک بشری که ملهم از گرایش های فطری عقلانی باشد را با اسلام از نظر دور نمیداریم .

بخه موضوع که باب اجتهاد در فقه شیعی جعفری این امکان را با ما داده است که لوازم حقوقی حرکت مستمر جامعه ما را در رابطه با نیازهای زمان تبیین و دامنه عرضه و نوع اعمال قوانین وحی را بطور مستمر تدوین نمائیم .

و هرچند که پس از انقلاب توطئه های مختلف بقصد انهدام انقلاب ما پی در پی بمرحله اجراء آمد و ضرورت مقابله با آنها مجال کافی برای تمرکز نبود رجعت تدوین چنین قوانینی بدست نداد اما تلاش ما در جهت استقرار سریع قوای سه گانه و از آن میان قوه مقننه و آغاز تدوین و تصویب قوانین مستخرج از مبانی حقوقی اسلام که پشتوانه حقوقی حرکت اسلامی جامعه است نشان دهند .

علامه ما به ارائه تصویر روشنی از زمینه حقوقی مورد نظر این انقلاب است .

مسلماً پس از آنکه قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران ساخت قانونی جدید ما را عرضه نمود بروشنی میتوان انطباق کامل ، یا عدم انطباق و یا انطباق نسبی يك بیک مواد میثاق با آن ساخت قانونی جدید را بیان نمود .

مسلماً ما در گزارش تفصیلی خود همچنانکه از بیان و توضیح انطباق روح مواد بعضی مواد میثاق با ساخت نوین قوانین خود خوشحال خواهیم شد ، چنانچه عدم انطباق و یا تضادی نیز مطرح باشد از توضیح و اعلام آن موارد ابائی نخواهیم داشت .

ونه تنها ابائی نخواهیم داشت بلکه صریحاً به اقلع کمیته بر رجحان نظر اسلام مستدلاً خواهیم کوشید .

بعضی از اعضاء محترم سؤال کردند که آیا میشود مواد میثاق را در سیستم حقوقی اسلام ادغام کرد یا نه ؟ در پاسخ باید بگویم که اگر معنی ادغام تکمیل و غنابخشیدن به قوانین اسلامی از طریق امتزاج آن با مواد میثاق باشد البته پاسخ منفی است .

زیرا که ما برای قوانین اسلام جامعیت قائلیم و باب اجتهاد در فقه ما نیازهای جدید جامعه ما را از سرچشمه اصول جامع و لایتخیر اسلام سیلاب میکند .

اما اگر معنی ادغام تلاش در جهت درک رابطه و کشف اشتراك روح مواد میثاق با سیستم حقوقی اسلام باشد ، این را ما با کمال علاقه دنبال میکنیم و در پاسخ سؤال دیگری از اعضاء محترم که آیا اسلام اصولاً میتواند حکومت کند یا نه باید بگویم که اسلام تنها در مجموعه ای از قوانین و نهضت های اخلاقی خلاصه نشده است تا فرد را در کنار زندگی روزانه اش تنبیه اندیشه در معانی اخلاقی مجرد بکشد .

این عجیب است که بعضی از اعضاء محترم کمیته درحالی که میگویند سلطان بوده ، یا قرآن آشنا هستند فراموش کرده اند که این کتاب مقدس از دستورات اخلاقی گرفته تا تحلیل تاریخی